

مختومقلی، متفکر جامع الاطراف

پیام حضرت آیت الله نورمفیدی
به مناسبت نکوداشت دویست و نود و دومین زادروز مختومقلی فراغی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضار محترم، شخصیت‌های رسمی داخلی و خارجی به ویژه میهمانان ارجمند از کشور همسایه و برادر ترکمنستان!!

مقدم همه‌ی شما را در جمهوری اسلامی ایران و آرامگاه دوشخصیت برجسته‌ی عرفانی ترکمن گرامی می‌داریم. انسان‌های بزرگ، وقتی که اندیشه و حیات خود را به معرفت الهی گره زده، از چشمه‌ی حقیقت سیراب گشته‌اند، دل در گرو حق تعالی و خدمت به مردم می‌سپارند، افکار و سیره‌ی عملی آنان ماندگار می‌گردد. و با فضل و عنایت الهی، نام نیک از خود برجای گذاشته، هرگز از یاد و خاطره‌ها زوده نمی‌شوند. شاعر عارف ترکمن، مختومقلی فراغی، به همراه پدر عالم و ایضاً مراد و مرشدش دولت محمد آزادی، چنین جایگاه بزرگی را در ایران و ترکمنستان، بلکه در کل جهان انسانیت دارا می‌باشند.

خوشبختانه، مختومقلی فراغی، پیام‌های روشن انسانی را برای همه‌ی نسل‌های آتی برجای گذاشته است و این‌گونه پایبندی به ارزش‌های اسلامی، عدالت‌طلبی و مبارزه با ظلم و فساد، آزادی و اخوت را ترویج داده است. مختومقلی، انسان متفکر جامع‌الاطراف بوده، احاطه به علوم دینی، فلسفه، فقه، کلام و مسائل اجتماعی و سیاسی داشته و سرآمد عصر خود در حوزه‌های مختلف بوده است.

دیوان اشعار مختومقلی، مشحون از خودباوری، اتحاد، عزت، اخلاق و معنویت بوده، در جهان امروز زیباترین کارکرد پیوند ملت‌های مسلمان با یکدیگر را دارا می‌باشد.

برخود لازم می‌دانم از تلاش‌هایی که رهبران دو کشور ج.ا.ایران و جمهوری ترکمنستان در گرامی داشت مختومقلی فراغی مبذول می‌دارند، تقدیر و تشکر نمایم که حضور انبوه این جمعیت چندین هزار نفری خود گویای شکوه و عظمت کم‌نظیر است.

در پایان بار دیگر، تشریف فرمائی میهمانان عزیز داخلی و خارجی به ویژه به شخصیت‌های علمی ترکمنستان خوشامد گفته، با بیتی از این شاعر عارف شما را به خداوند منان می‌سپارم:

مختومقلی دیرلر مینینگ آدیمی

عالم الین چو یار گورسه اودیمی

ای یاران لار، کیمه دادیمی

باشیم چیقماز نه غوغایا ساتاشدیم

ساغ بولونگ

استاد علی نصیریان و استاد داریوش مؤدبیان در گرگان

گرگان مرکز اجرا و آموزش تئاتر بود



تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد در عصر روز اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ به پاس بزرگداشت روز سعدی و جشن اردیبهشتگان، میزبان علی نصیریان پیشکسوت تئاتر و سینما و داریوش مؤدبیان، ادیب، نویسنده و مترجم مشهور ایرانی بود. استاد نصیریان ابتدا بر روی صحنه، پس از چند لحظه سکوت، آوازی را زمزمه کرده و در پایان، رو به جمع حاضر گفت: امشب حال من خوب است! وی سخنان خود را این گونه ادامه داد: جامعه

علاوه بر آب و نان، نیاز روحی هم دارد، و هنرهای مختلف مثل موسیقی، تئاتر و فیلم می‌تواند این نیازها را تأمین کند. او افزود: باید زمینه را برای توجه جوانان به هنر فراهم و بستر را برای اجراء نمایش و تماشای فیلم فراهم کنیم. این پیشکسوت تئاتر گفت: تئاتر انسان است، تئاتر محتوی و اندیشه است، پس جامعه به آن نیاز دارد. نصیریان با اشاره به پیشینه‌ی سفرهای خود به شهر گرگان گفت: اولین بار به هنگام برگزاری جشن فرهنگ و هنر به گرگان آمدم. مردم این شهر فرهیخته و علاقمند به هنر هستند. گرگان یکی از مراکز اجرا و آموزش تئاتر بود و به همین دلیل هم هست که تالار فخرالدین اسعد گرگانی در این شهر ساخته شد؛ تالاری که در ایران درجه یک و بی‌نظیر است.

در ادامه داریوش مؤدبیان، ضمن پاسداشت روز سعدی گفت: آثار سعدی حاوی حکایت‌های شیرین است. در واقع این شاعر بزرگ ایران با نگارش کتاب‌های بوستان و گلستان اثری به وجود آورد که با آمدن خزان پژمرده نمی‌شود. گلستان حاصل خلوت‌گزینی سعدی بعد از نگارش کتاب بوستان بود. مؤدبیان افزود: گلستان ۸ باب دارد که یادآور ۸ در بهشت است. وی از حاضران خواست تا جوانان را با آثار سعدی آشنا کنند.

در این مراسم کیخسرو دهقانی نقال مشهور معاصر ایران، ضمن پاسداشت سعدی به شاهنامه‌خوانی و قرائت داستان سیاوش پرداخت و پس از شعرخوانی چندتن از شاعران گلستانی، استاد مسعود مهدی‌نژاد باتنین ضرب زورخانه‌ای شور و شعفی در مجلس ایجاد کرد. در انتهای این مراسم از چهار نفر از پیشکسوتان فرهنگ گرگان؛ آقایان پرویز رضایی، دکتر نصرت‌ا... علیمی، منوچهر قاضی و سید محمود میرکریمی تجلیل به عمل آمد.



گزارش برگزاری چهل و هفتمین نشست نسل ماندگار

جنگ در یخ بندان

خاطرات رزمندگان محمدآباد گرگان از دفاع مقدس

چهل و هفتمین نشست «نسل ماندگار» عصر روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ در محل تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد برگزار شد. در این نشست که به میزبانی فعالان فرهنگی روستای محمدآباد گرگان برگزار شد، جمعی از یادگاران سال‌های دفاع مقدس به بیان خاطرات سال‌های حضور خود در جبهه‌ها پرداختند. رضا عباسی که سابقه حضور ۱۵ ماهه در جبهه را داشت، از چگونگی عملیات در رودخانه اروندکنار خرمشهر گفت و خاطرات دیگری از جمله انتقال مجروحین به پشت خط را برای حضار روایت کرد. او ضمن اشاره به مجاهدت رزمندگان از تحمل و کمبودها گفت.

خلیل مازندرانی با سابقه ۲۸ ماهه‌ی حضور در جبهه‌ها، نکاتی را در مورد وضعیت حلبچه سرمای شدید آن‌جا در زمان جنگ، یادآوری کرد و ضمن اشاره به اهمیت انتقال مهمات در آن شرایط، خاطراتی را در مورد چگونگی جابه‌جایی مهمات جنگی با قاطر و حفاظت از آن‌ها در مقابل سرمای شدید بازگو کرد.

علی اصغر غفاری که خود سابقه‌ی ماه‌ها حضور در جبهه کردستان و جنوب را داشت، در این مراسم یادی از شهید ابوعمار و احمد متوسلیان کرد و گفت جنگ در کردستان از طرفی عقبه نداشت و از سوی دیگر خط مقدم بود. وی ضمن توصیف وضعیت پایگاه‌های رزمندگان اسلام، گفت حضور در جبهه مریوان بسیار سخت و پیچیده بود و گاهی شدت سرما در حدی بود که رزمندگان یخ می‌زدند.

عیسی اترچالی از فرماندهان سال‌های دفاع مقدس، ضمن تاکید بر شرایط سخت کردستان گفت: در آن سال‌ها به علت ریزش مکرر برف و سقوط بهمن، گاهی سنگ‌ها زیر برف می‌رفتند، اما رزمندگان به رغم سردی و پیچیدگی شرایط، در جبهه‌ها حضور داشتند. علاوه بر کردستان، در جنوب هم رزمندگان ایثارگرانه در صحنه حضور داشتند چنان‌که در عملیات کربلای ۴ اگر غواصی را می‌زدند غواص دیگری می‌رفت و اگر قایقی را می‌زدند قایق دیگری حرکت می‌کرد. عیسی اترچالی ضمن اشاره به نقش رزمندگان روستای محمدآباد در دفاع مقدس، از شهید صادق مکتبی و نقش وی در جبهه‌ها نیز یاد کرد.

در پایان این نشست تندیس مراسم «نسل ماندگار» به خاطره‌گویان اهداء گردید.

گزارش برگزاری چهل و هشتمین نشست نسل ماندگار

ققنوس در آتشِ کانیمانگا

چهل و هشتمین نشست نسل ماندگار از آنجا که بیشترین یادآوری راوی از همزمان سفر کرده اش بود ویژگی خاصی داشت. رضا جلالی نوجوان ۱۳ ساله ای که خیلی زود یکی از چشم هایش را در آبان ۱۳۶۲ از دست داد و پس از ماه ها بستری و درمان به جای آن که بعد از مرخص شدن از بیمارستان به خانه برگردد مستقیم به جبهه جنگ و نزد همزمانش رفت.

رضا جلالی در بخشی از خاطراتش یادی از شهید حسن عباسی کرد و گفت: «شهید عباسی فرمانده گردان کربلا بود او آخرین نفر می خوابید. وقتی همه خواب بودند پوتین های بچه های گردان را واکس می زد و با ظرف های آب را برای آنها آماده می کرد که برای نماز شب استفاده کنند. در ۱۶ آبان ۱۳۶۲ که شب پر بارش برفی بود برای انجام عملیات آماده می شدیم که شهید عباسی گلاب قمصر کاشان را کف دست بچه ها می ریخت و می گفت که اولین شهید خواهد بود. به چشم خودم دیدم که اولین آرپی جی ۱۱ از کانی مانگا آمد و حسن عباسی دو نیم شد مثل چوب خشکی دو تیکه شد و مثل هیزم سوخت. او مثل ققنوس سوخت و سوخت.» این رزمنده دفاع مقدس در بخش دیگری به مجروحیت چشم خود اشاره کرد و گفت: «خمپاره دوم که آمد ۱۵ ترکش خوردم و چشمم بیرون پرید چشمم را بستند و سوار قاطر کردند و با هلی کوپتر به سنجند آمدیم. رضا جلالی که پس از جنگ در سنگر علم و دانشگاه حضور پیدا کرده و حالا عضو هیات علمی دانشگاه است، پس از جانبازی به طور مستمر در جبهه حضور یافت. او بعدها در واحد اطلاعات عملیات لشکر حضور یافت که چند خاطره شیرین و طنز از آن ایام برای حاضرین به اشتراک گذاشت. گفتنی است چهل و هشتمین نشست نسل ماندگار عصر روز سه شنبه ۲۴ تیرماه ۱۴۰۴ با حضور یادگاران دفاع مقدس و سایر علاقه مندان در سالن تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد برگزار شد.

